

اثرگذاری عوامل فرهنگی و اجتماعی نزاع بر شهر یاسوج با ارایه پیشنهادات

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۰۱

مرتضی خلق نیک^۱

امیرمحمد ضرغامپوری احمدی^۲

چکیده:

نزاع عبارتست از کشمکش مشهود و از نظر اصولی مستقیماً قابل رؤیت، حداقل بین دو نفر نزاع یکی از مسائل و آسیب های اجتماعی است که وقتی در جامعه شیوع پیدا می کند، آثار و عوارض گوناگون اجتماعی به ویژه برای آرامش و امنیت جامعه ایجاد می کند. ایران کشوری دارای قومیت های گوناگون است و به دلیل وجود تعصبات و سلیقه ها و رسومات مختلف هر ساله انواع نزاع های دسته جمعی در سطوح محلی و استانی در آن رخ می دهد. استان کهگیلویه و بویراحمد نیز از این قاعده مستثنی نیست. ساختار و شیوه ی زندگی مردم و شناخت افراد از همدیگر باعث شده معضل اجتماعی نزاع های دسته جمعی بسیار پیچیده شود، به نحوی که در چند سال اخیر این مسأله بطور جدی توسط مسئولان و کارشناسان مختلف پیگیری شده است. از آنجا که یکی از راه های پایان دادن به این نزاع ها و مهار آن استفاده از ظرفیت و پتانسیل های اجتماعی و فرهنگی می باشد در این مقاله تلاش خواهد شد تا با معرفی عوامل اجتماعی و فرهنگی در استان و علل نزاع های دسته جمعی، سازوکارهای توانمند سازی طوایف در زمینه ی پیشگیری و مهار نزاع دسته جمعی تشریح گردد. برای این منظور از روش گردآوری داده از طریق مصاحبه و منابع کتابخانه ای استفاده گردیده است. در نهایت راهکارهایی چون تشکیل جلسات ماهانه با رؤسای طوایف، تشویق رؤسا و معتمدین طوایف برای نقش آفرینی بیشتر، پرهیز از کشاندن رقابت های حزبی و جناحی به میان طوایف، شناسایی معتمدان و متنفذین محل، ترویج احترام به قانون از سوی رؤسای طوایف در این ارتباط پیشنهاد می گردد.

مفاهیم کلیدی: عوامل اجتماعی، نزاع، عوامل فرهنگی، امنیت

۱- کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری (نویسنده مسئول) morteza.kholghnik@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری

مقدمه:

مسئله قومیت از دل مشغولیهای نخبگان و مدیران سیاسی جوامع چند قومی و اندیشمندان علوم اجتماعی بوده و هست و البته همانند سایر دانش واژه‌های علوم اجتماعی تعریف اجماعی از آن بعمل نیامده است. لذا در این قسمت از نوشته به ذکر چند نمونه از تعاریف بسنده می‌شود:

کوپر، قومیت را بنیادی‌ترین مقوله سازماندهی اجتماعی دانسته که بر نوعی عضویت و تعلق استوار است که بر مبنای احساس برخورداری از ریشه‌های تاریخی، فرهنگ، مذهب و زبان مشترک بنیاد نهاد شده است.

به نظر مک لین، قومیت چگونگی تعلق به یک گروه قومی است قومیت شامل آگاهی نسبت به ریشه‌های تاریخی و سنتهای مشترک است.

دیوید رابرتسون در تعریف قومیت می‌گوید: قومیت عبارت است از ترکیب پیچیده ویژگی‌های فرهنگی، نژادی و تاریخی که به وسیله آن جوامع به خانواده‌های سیاسی مجزا و احتمالاً خصمانه تقسیم می‌شوند. و بر همین مبنا پرسش سیاسی، اجتماعی، هویت ملی را بر می‌انگیزد.

ادگار بورگاتا معتقد است که مفیدترین تعریف از قومیت همان تعریف کلاسیکی است که مارکس وبر در کتاب "اقتصاد جامعه" از آن ارائه کرده است.

به نظر وبر گروه قومی گروهی است که اعضایش نسبت به پیشینه تاریخی، صورت فیزیکی، آداب و رسوم و خاطرات مشترک دارای ذهنیت و عقیده یکسان و مشابهی هستند.

به نظر بورگاتا بر خلاف اختلاف نظرهایی که بین اندیشمندان بر سر تعریف مفهومی قومیت وجود دارد آنان راجع به ویژگیها و شاخصهای نشان‌دهنده قومیت به شرح زیر اتفاق نظر دارند:

برخورداری اعضای گروه از ریشه جغرافیایی، زبان، مذهب، آداب و رسوم، موسیقی و الگوهای سکونت مشترک، برخورداری از ملاحظات سیاسی مشابه به ویژه در رابطه با سرزمین و نهادهای سیاسی و برخورداری از نوعی احساس تمایز و متفاوت بودن از دیگران.

از دیدگاه توماس هیلاند، "قومیت" بُعدی از روابط اجتماعی بین کسانی است که خود را از نظر فرهنگی متمایز از اعضای دیگر گروههایی می‌پندارند که با آنها حداقلی از

ارتباطات منظم دارند، قومیت هم چنین یک هویت اجتماعی است. وقتی تفاوت‌های فرهنگی مبنای تفاوت در تعامل بین گروه‌ها می‌شود رابطه اجتماعی واجد عامل قومی می‌شود قومیت دارای بعد معنی در خلق هویت است و از ابعاد سیاسی، سازمانی و سمبلیک برخوردار است. گروه‌های قومی به داشتن اسطوره‌های ریشه مشترک تمایل داشته و از ایدئولوژی سیاسی انسجام بخش بهره می‌برند. به نظر او مشخصه‌های گروه قومی عبارتند از:

۱- تصور برخورداری از ریشه و تاریخ مشترک

۲- ادعای داشتن سرنوشت معین و متمایز از دیگران

۳- دارا بودن ابعادی از فردیت فرهنگی جمعی

۴- احساس همبستگی جمعی منحصر به فرد.

بیان مساله تحقیق:

انجام این تحقیق در پاسخ به این پرسش می باشد که عوامل فرهنگی اجتماعی اثر گذار بر نزاعهای دسته جمعی در بین زنان و مردان استان کدامند.

پدیده نزاع در جامعه با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می آورد که با زمینه سازی برای ایجاد نزاع و تنش های بعدی جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می کند. با توجه و تعمق در علل و عوامل بروز نزاعهای دسته جمعی در جوامع ایلی و عشایری همچون کهگلیویه و بویراحمد در می یابیم که این تنشها ریشه درون ایلی دارند.

ریشه نزاع از یک سو در نیازهای فرو خفته ای نهفته است که منشاء و برانگیزاننده دست زدن به رفتارهای پرخاشگرانه آشکار است و از سوی دیگر ترویج آن را محصول خرده فرهنگی باید قلمداد کرد که چنین شیوه های را ترویج و چه بسا آن را تحریک می کنند و از یک سو نیازهایی که از راه مشروع و تایید شده و کم هزینه قابل تامین نیست و برخی از شهروندان را برمی انگیزند تا راههای وصول به خواسته هایشان را در قالبی گرچه نامتعارف و ناپسند اما در دسترس و دست یافتنی ترسیم کنند و از سوی دیگر نتیجه بخشی و همچنین تایید اجتماعی که در پی دست یازیدن به این شیوه ها متوجه آن می شود موید بلکه مشوقی برای تکرار و استمرار ایت شیوه ها و آگویی برای تشویق دیگران می شود.

فرضیات تحقیق:

به نظر می رسد بین جنس و نزاع دسته جمعی رابطه معنی داری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین رده‌های سنی و نزاع دسته‌جمعی رابطه معناداری وجود دارد.
 به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات و نزاع دسته‌جمعی رابطه معناداری وجود دارد.
 به نظر می‌رسد بین تعصبات قومی و نزاع دسته‌جمعی رابطه معناداری وجود دارد.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

نزاعهای دسته‌جمعی یکی از معضلات اجتماعی است که بیشترین پرونده‌ها را در محاکم قضایی به خود اختصاص داده و معمولاً باعث سلب آسایش و امنیت مردم گردیده و مشکلات فراوانی را برای مردم و مسولین و... را بوجود آورده است. با انجام این تحقیق و ارائه راهکارها و پیشنهادهای سعی در آگاه‌سازی مردم به قوانین و مقررات، فرهنگ‌سازی مردم در این خصوص و تبیین تبعات منفی نزاعهای دسته‌جمعی به حل این معضل اجتماعی در استان کمک کند.

مفهوم و اهمیت سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از مفاهیم نو پدید در حوزه مطالعات اقتصادی و اجتماعی در سطح جهان و در داخل کشور است. توجه نظریه‌پردازان توسعه به سرمایه اجتماعی از نشانه‌های تحول در نظریه‌های توسعه است که شاید بتوان به وجوهی از آن به شرح زیر اشاره کرد.

گسترش دامنه شمولیت سرمایه و افزوده شدن سرمایه اجتماعی به زمره‌ی سرمایه‌هایی که تا کنون محدود به سرمایه‌های فیزیکی، مالی و انسانی بود.
 جهت‌یابی نگاهها از فرد محوری در توسعه به روابط اجتماعی.
 حرکت تدریجی از اندازه‌گیری کمی اجتماعی به اندازه‌گیری‌های کیفی.
 دگرگون شدن رابطه اقتصادی با دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی.

سرمایه اجتماعی را به گونه‌های مختلفی تعریف کرده‌اند: یکی از تعاریف مطرح این است که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌باشد که موجب ارتقای سطح‌شماری اعضای آن جامعه گردید و سبب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. (فوکویاما، ۱۹۹۹).

بر اساس این تعریف مفهیمی نظیر جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیکی با سرمایه‌گذاری اجتماعی می‌گردند.

سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی بوده و شناخت آن به عنوان یک نوع سرمایه چه در سطح مدیریت کلان توسعه کشورها و چه در سطح

مدیریت سازمان‌ها و بنگاه‌ها می‌توان شناخت جدیدی از سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرده و مدیران رادرمیریت بهترسیستم مایاری کند. (علومی، ۱۳۸۰، ۳۴). منظور از سرمایه اجتماعی هنجارها و شبکه‌هایی است که مردم را قادر می‌سازد تا دست به کنش جمعی بزنند. (پورستمی ۱۹۹۸).

این تعریف چندان مقصود را بر می‌آورد اولاً، نه بر پیامدها بلکه بر منابع سرمایه اجتماعی متمرکز است در حالی که می‌پذیرد که ویژگی‌های مهم سرمایه اجتماعی از قبیل: اعتماد و هنجار متقابل در طی یک فرآیند مکرر پدید آمده‌اند .

ثانیاً: این تعریف ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی را در در خود جای می‌دهد و می‌پذیرد که اجتماعات کما بیش به آنها دسترسی داشته باشند .

ثالثاً: در حالی که تعریف اجتماع (و نه افراد، خانواده یا دولت) را به عنوان واحد درجه اول تحلیل معرفی می‌کند، در ضمن می‌پذیرد که افراد و خانواده‌ها، قادرند سرمایه اجتماعی را از آن خود کنند و به علاوه نحوه سازماندهی خود اجتماع تا حدود زیادی به مناسبات آن با دولت برمی‌گردد. تأثیری که دولت‌های ضعیف، دشمن صفت‌یابی تفاوت بر زندگی اجتماع و طرح‌های توسعه‌ای باقی می‌گذارند، قراردادهای را محترم می‌شمارند و در برابر فساد مقاومت می‌ورزند عمیقاً متفاوت است (آیشام و کافمن، ۱۹۹۱).

این واژه معنا کردن نقش روابط اجتماعی در توسعه، نقطه عطفی در رویکرد نظری نسبت به توسعه است و لذا تبعیت را برای تحقیقات و سیاست‌های معاصر در زمینه توسعه در بردارد. بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که در این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد. تا دهه ۱۹۹۰ عمده نظریه‌های توسعه دیدگاه‌های «بالنسبه کوتاه بینانه» و حتی متشاقص درباره نقش روابط اجتماعی در توسعه اقتصادی داشتند و توصیه‌های سیاسی سازنده‌ای که عرضه می‌کردند چندان قابل استفاده نبود. برای مثال در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ روابط اجتماعی و راه و رسم‌های سنتی زندگی همچون موانعی بر سر راه توسعه تلقی می‌شد .

چنانکه در یکی از اسناد معتبر وقت، متعلق به سازمان ملل در ۱۹۵۱ گفته شده برای آنکه کار توسعه پیش برود :

فلسفه‌های قدیمی باید ابطال شوند، نهادهای کهنه اجتماعی از هم بپاشند و عقیده و نژاد باید از هم گسسته شوند، ولی شمار اشخاصی که قادر نیستند قدم به قدم با ترقی

حرکت کنند محکوم‌اند که از برخورداری از یک زندگی آسوده چشم‌پوشند و تن به قبولی‌نومیدی بدهند. (اسکوبار، ۱۹۹۵: ۳).

این دیدگاه در دهه ۱۹۷۰ جای خود را به نظریه‌های وابستگی و نظام جهانی داد. اینان معتقد بودند که روابط اجتماعی در بین نخبگان حقوقی و سیاسی ساز و کار اصلی استثمار سرمایه دارانه است. نظریه پردازان نئوکلاسیک و متخصصان انتخاب عمومی که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بیشترین نفوذ را داشته‌اند، به نوبه خویش، خواص مشخصی برای روابط اجتماعی قائل نمی‌شوند.

آنان که معتقد بوند که گروه‌ها از جمله بنگاه‌ها در درجه نخست بدان سبب موجودیت دارند که هزینه معادلاتی را پایین بیاورند. بنابراین چنین شد که عمده نظریه‌های توسعه روابط اجتماعی را فوق‌العاده طاقت فرسا، استثمار گرایانه، آزادی‌بخش تأویل می‌کردند. ادبیات سرمایه اجتماعی در گسترده‌ترین معنای خود معرف نخستین تلاش برای نزدیک شدن به پاسخ این چالش است. (براون ۱۹۹۸، براون و آشمن ۱۹۹۶).

چهار دیدگاه درباره‌ی سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی وجود دارد که می‌توان این چهار دیدگاه متمایز را مقوله‌بندی کرد:

۱- دیدگاه اجتماع‌گرایی

۲- دیدگاه شبکه‌ای

۳- دیدگاه نهادی

۴- دیدگاه همیاری که پژوهش در این دیدگاه‌ها هر کدام نیز به فرصت مناسب دارد تا بتوان به آن پرداخت و آن را بررسی کرد.

مهمترین اقداماتی که دولت‌ها می‌توانند جهت تقویت سرمایه اجتماعی انجام دهند:

۱- تشویق و تقویت و تشکیل نهادهای مدنی

۲- تقویت و غنی‌سازی آموزش‌های عمومی

۳- تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی

۴- پرهیز از تصویرگری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیت‌ها و زمینه‌سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین آحاد مختلف مردم. (فوکویاما، ۱۹۹۹).

سرمایه اجتماعی دارای ابعاد و مؤلفه‌های فراوانی است که متناسب با فرهنگ جامعه می‌باشد؛ مؤلفه‌های چون اعتماد، مشارکت در نهادهای مدنی و مؤسسات خیریه،

ارتباطات مناسب با دیگران، متعهد و مسؤلیت، همکاری و روحیه کار گروهی، احساس هویت جمعی در این زمینه مد نظر می‌باشد .

مهمترین مؤلفه سرمایه اجتماعی اعتماد و قابلیت اعتماد می‌باشد که دارای ارکانی چون صداقت، شایستگی، ثبات قابلیت اعتماد، وفاداری و روراستی است .

اعتماد به معنای اختصاصی فعالیت است که حاصل آن فعالیت به رفتار مشارکتی دیگران وابسته می‌باشد و قابلیت اعتماد، رفتاری است که بازده مردمی را که به شما اعتماد می‌کنند، افزایش می‌دهد .

مردم در تمایل به اعتماد نسبت به دیگران به ۳ دلیل زیر متفاوتند :

- ۱- عقاید متفاوت در مورد قابلیت اعتماد دیگران با در نظر نگرفتن تفاوت‌های موقعیتی .
- ۲- ترجیحات متفاوت در مورد توجه به دیگران .

۳- توانایی‌های متفاوت که سبب ایجاد رفتار قابل اعتماد در دیگران می‌شود .

سرمایه اجتماعی ویژگی‌های معینی دارد که از این ویژگیها انتقال ناپذیری عملی آن است اگر چه این سرمایه، منبعی است که ارزش استفاده دارد و به آسانی مبادله نمی‌شود. صفت کیفی ساختار اجتماعی که فرد در آن قرار گرفته است این است که سرمایه اجتماعی دارای منفعت عمومی است به این معنا که سرمایه اجتماعی از جهت کنش هدفمند در موقعیتی اساساً متفاوت با بیشتر شکل‌های دیگر سرمایه است و همه افرادی جزء ساختار معین هستند و از آن سود می‌برند .

نقش دولت در ایجاد سرمایه اجتماعی:

با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، لازم است برنامه‌های مختلفی برای افزایش و ذخیره این سرمایه انجام گیرد. برخی از این اقدامات عبارتند از :

۱- تشویق و تقویت نهادهای اجتماعی، صنفی، حرفه‌ای، تشویق به ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی که از راه‌حل‌های ساختاری برای افزایش سرمایه اجتماعی است. افراد در قالب نهادهای اجتماعی دارای هویت مشترک گردیده و زمینه ایجاد همکاری‌های گروهی در آنان ایجاد می‌شوند نتیجه فعالیت‌های گروهی موفق شبکه‌های اعتماد است .

۲- تقویت مؤلفه‌های فرهنگی نظیر احساس هویت جمعی و سازمانی مشترک، احساس تعلق به آینده‌ای مشترک و... نظر می‌باشد .

مدیران نیز با ایجاد نظام‌های مشارکتی و توجه به سمبل‌های فرهنگی و ایفای مناسب نقش رهبری می‌توانند در جهت غنی‌سازی فرهنگ سازمانی گام بردارند .

۳- تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی .
 ۴- پرهیز از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیتها و زمینه‌سازی، ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین آحاد مختلف مردم .

تحلیل نزاع‌های جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد

برای تبیین مسأله نزاع به نظریه‌هایی نیاز مبرم است تا بتوان به کمک آنها ابعاد مختلف موضوع را مورد بررسی قرار داد، این نظریات می‌توانند از نظر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوقی و غیره مورد بحث قرار گیرند.
 دو جنبه آنها عبارتند از:

الف - نظریاتی که جنبه فردی داشته و در نهایت بدین مسأله پاسخ خواهد داد که چرا رفتارهای پرخاشگرانه در افراد به وجود می‌آید.

ب - نظریه‌هایی که ریشه پرخاشگری را در رفتارهای جنبی انسانها جست و جو می‌کنند در دو حالت نظریات زیادی مطرح گردیده است که تعدادی از آنها پشتوانه عملی ندارد و از مطرح کردن آنها خودداری شده است (پور افکاری)
 ولی لازم است نظریاتی که تقسیم بندی فوق و ابعاد مختلف آن را در بر می‌گیرد را مرور نمود .

۱- نظریه های روان‌شناسی و روانپزشکی.

۲- نظریه های مربوط به نفوذ اجتماعی.

۳ -نظریه های یادگیری اجتماعی که پرخاشگری را فرآیندی از یادگیری اجتماعی می‌داند.

۴- نظریه بر چسب که بیشتر در جرم‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵ -نظریه محیط جغرافیایی و زیست‌شناسی که به دنبال رابطه بین خشونت و جغرافیاست که در گرایشهای انسانی جغرافیا مورد تفحص قرار می‌گیرد.

۶- نظریه ناکامی که شرایط گوناگونی به صورت خشونت در آن تجلی پیدا می‌کند.
 حال با توجه به نظریات فوق در زمینه نزاع جمعی می‌توان چنین مطرح کرد که آثار موجود در زمینه نزاع جمعی محدود به منابع داخلی (ملی) و منابع خارجی (بین‌المللی) است که هیچ کدام از این دو دسته منابع در رابطه باکم و کیف و علل وجودی نزاع‌های

جمعی در ایران شناخت علمی معتبری ارائه نمی‌دهند و بیشتر به صورت نظریات محض و بینشی به رشته تحریر در آمده‌اند. مضافاً اینکه منابع خارجی که برخی از آنها مثل کتب تبعی در ستیزه شناسی (گاستول بوتول ۱۳۶۴) و جامعه شناسی جنگ (گاستول بوتول ۱۳۶۸) بیشتر در رابطه با جنگ بطور عام آن هم در سطح بین‌الملل مطرح شده‌اند و علی‌رغم ضعف مبانی بینشی و روشی نتایج حاصل از آنها به دلایل کلی بودن موضوع و متفاوت بودن شرایط زمانی و مکانی قابل تعمیم به مسأله نزاعهای جمعی در ایران بطور عام و مخصوص در استان کهگیلویه و بویراحمد نیست. منابع داخلی هم از لحاظ کمیت بسیار محدودتر از منابع خارجی‌اند و شاید تعداد آنها از یک یا دو مورد بسیار جزئی و ناتمام تجاوز نمی‌کند.

کم‌وکیف نزاعهای جمعی در جوامع شهری روستایی و عشایری

ریشه و بستر اولیه نزاعهای جمعی را در کهگیلویه و بویراحمد باید در تاریخ گذشته این جوامع جستجو نمود چرا که عوامل مختلفی در شکل‌گیری و تداوم آن مانند آثار محیط طبیعی، ریشه‌های اجتماعی، ابعاد فرهنگی، زمینه‌های اقتصادی، ابعاد فرهنگی و عوامل سیاسی دخیل بوده‌اند. با این وصف برای تحلیل کم‌وکیف نزاعهای جمعی باید به ارزیابی آن به شرح زیر پرداخت:

تعداد و تاریخ نزاع

میانگین تعداد نزاعهای جمعی به نسبت افراد درگیر در آنها در جامعه عشایری نسبت به جوامع روستایی و شهری بیشتر بوده است ولی در مقایسه با جامعه شهری و روستایی با یکدیگر می‌توان چنین استدلال کرد که هر چند میانگین تعداد نزاعهای جمعی در جامعه روستایی بطور نسبی کمتر از میانگین نزاعها در جامعه شهری است. ولی نسبت افراد درگیر در نزاعها در جامعه روستایی نسبت به جامعه شهری بیشتر است طبق اطلاعات به دست آمده از رؤسای خانواده‌های واحدهای اجتماعی مورد بررسی قدمت نزاعهای جمعی در جامعه عشایری نسبت به شهری و شهری نسبت به روستایی بیشتر است.

مدت نزاع و شیوه حل و فصل و عواقب آن

حدود ۳۵ درصد از نزاعهای جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد اعم از جوامع شهری، روستایی و عشایری برای مدت چند روز و بیش از دیگر برای مدت چند سال به طول می‌انجامد و بقیه آنها که بین ۱۵ تا ۲۰ درصد برآورد می‌شوند هنوز پایان نیافته‌اند. مدت نزاع و تداوم آنها همانطور که ذکر گردید در جامعه روستایی بیشتر از جامعه

شهری و در جامعه شهری بیشتر از جامعه عشایری است و با وجودی که بیش از نزاعهای جمعی در استان در مراجع رسمی مطرح می‌شوند ولی عملاً درصدی از آنها با کدخدا منشی و ریش سفیدی و حتی حل و فصل در نهادهای شبه قضایی مانند شورای حل اختلاف مطرح و حل و فصل می‌شوند.

خون بس از جمله شیوه‌های حل و فصل نزاع در این استان می‌باشد که آن عبارت است از: هنگامی که میان دو فامیل یا دو ایل یا دو نفر درگیری ایجاد شود و منجر به قتل یک نفر شود پس از نشست‌هایی که بزرگان انجام می‌دهند تصمیماتی گرفته می‌شود و براساس آن علاوه بر پرداخت مبلغ گزافی وجه نقد، بسته به اعتبار و شخصیت مقتول یک یا دو دختر را هم بجای خون بها به خانواده مقتول تحویل می‌دهند که آنها را به عقد فرزندان یا برادران و یا نزدیکان مقتول در آورند و بدین طریق به اختلافات پایان داده می‌شود این نوع ازدواج اگرچه علی‌الظاهر ممکن است پیوندهای محکم و استواری را در بین خانواده‌ها ایجاد نماید لکن مشاهده شده است که معضلات جدیدی بر مشکلات قبلی افزوده است. این شیوه حل و فصل نزاع با وجود بحث برانگیز بودن هنوز کارایی لازم برای حل و فصل نزاعها برخوردار بوده و موضوعیت خود را در جوامع عشایری از دست نداده است، لیکن از دیدگاه جامعه‌شناختی و آسیب‌شناسی عواقب و خیمی از جمله خودکشی را به همراه دارد.

انگیزه نزاع

در میان انگیزه‌های مورد بررسی نزاعهای جمعی، ظاهراً انگیزه‌های مادی بیشتر از انگیزه‌های غیر مادی - سیاسی و ترکیبی مورد تأکید قرار دارد با این وجود پیامد انگیزه‌های مادی کمتر از پیامد انگیزه‌های غیر مادی (ناموسی) می‌باشد.

میزان خشونت

شکل غالب بروز نزاعهای جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد مسلحانه و میزان خشونت در آنها از سطح بالایی برخوردار است. این استان بخاطر بافت عشایری موجود دسترسی بیشتری به اسلحه داشته و به همین دلیل معضلات اجتماعی نظیر خودکشی و نزاعهای دسته جمعی در آنها در حد زیادی شایع است. در اکثر نزاعها از سلاح سرد و گرم استفاده می‌شود که ۸۰ درصد دارندگان اسلحه هم دارای مجوز رسمی حمل سلاح می‌باشند. شدت خشونت در این نزاعها در جوامع عشایری نسبت به مناطق روستایی و شهری بیشتر است، به طوری که در نزاعهای جمعی جوامع عشایری و روستایی بیشتر

سلاحهای سرد و گرم ولی در جامعه شهری بیشتر از سلاح سرد استفاده می‌شود. در مجموع نیمی از افراد درگیر در نزاعهای جمعی این استان دارای اسلحه می‌باشند ولی این نسبت بر حسب نوع جوامع متفاوت بوده است، بطوری که نسبت افراد مسلح درگیر در نزاعهای جمعی جامعه عشایری دو برابر جامعه روستایی و سه برابر جامعه شهری است.

پیامد نزاع

نزاعهای جمعی در این استان دارای پیامدهای مالی - جانی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند میزان خسارات مالی در جامعه عشایری که میزان نزاعهای جمعی و شدت خشونت آنها بیشتر است از سطح بالایی برخوردار است. تعداد جرح و قتلها در هر نزاع جمعی از یک تا پنجاه مورد در نوسان است و میانگین تعداد و جرح و قتلها در نزاع در کل استان ۴ نفر و برای جوامع شهری روستایی و ایلی به ترتیب ۷- ۱۰ و ۸ نفر بوده است. هر چند در برخی از موارد برای نزاعهای جمعی که در شهر اتفاق افتاده جرح و قتلی گزارش نشده، ولی در سطح روستاها و ایلات استان هیچ نزاع جمعی اتفاق نیفتاده است که در آن حداقل یک تا چهار نفر مورد جرح و قتل قرار نگرفته باشد. این امر بیانگر میزان خشونت بیشتری است که در نزاعهای جمعی جوامع روستایی و عشایری نسبت به جامع شهری نمود پیدا کرده است. همچنین نزاعهای جمعی در این استان علاوه بر خسارات مالی و جانی دارای پیامدهای اجتماعی نامطلوبی چون بیکاری، مهاجرت، اسکان اجباری، تخریب مراتع، غارت، ناامنی و محکومیت‌های کیفی و تحمیل زندان هم بود است.

مبانی نظری

نظریه پردازان و پژوهشگران طی چند قرن گذشته، نظریه‌ها و پژوهش‌های متفاوت و راهگشایی پیرامون مسئله مورد بحث ارائه کرده‌اند که هر کدام با توجه به ساختار جامعه و شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه، می‌توانند تبیین‌کننده مسئله و ارائه‌دهنده راه حل در این زمینه باشند.

اندیشمندان نظریه‌های خرده فرهنگی، رفتار انحرافی جوانان (رفتار بزهکارانه) را از جرم متمایز دانسته و بر این باورند که رفتار بزهکارانه به وسیله افرادی رخ می‌دهد که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند. به اعتقاد ایشان، اینگونه رفتار، به وسیله دار و دسته‌های بزهکار، معمولاً در اجتماعات خرده فرهنگی طبقات پایین جامعه شکل گرفته و به اجرا درمی‌آید. افراد پس از جداسدن از جامعه کوچک خویش و مهاجرت به شهرهای

بزرگتر، به عنوان یک خرده فرهنگ، با تشکیل طیف حاشیه نشین در اطراف شهرها، به سبب نوع زندگی حاشیه-نشینی، با بی برنامه‌گی، آشفتگی، ضعف پیوندهای اجتماعی، از بین رفتن حمایت‌های اجتماعی و فشارهای فیزیکی و روانی روبرو می‌شوند. این عوامل منجر به تضاد فرهنگی، احساس از خود بیگانگی و جدایی در بین آنان و در نهایت پیدایش خرده فرهنگ منحرف و شیوع انحرافات خواهد شد. نظریه پردازان دیدگاه بوم شناسی استدلال می‌کنند که اندازه جمعیت، تراکم اجتماعی و سکونت و ناهماهنگی اجتماعی در ارتباط با زندگی شهری، منجر به تخریب حمایت‌های اجتماعی و روابط نزدیک و جایگزین آنها با مکانیزم‌های رسمی کنترل رسمی و غیر شخصی و سازمان‌های بوروکراتیک می‌شود، که با تضعیف پیوندها و حمایت‌های اجتماعی در بین حاشیه نشینان، نقش خانواده در کنترل فرد کمرنگ می‌شود و زمینه شکل گیری رفتارهای انحرافی در فرد ایجاد شده، و تقویت می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴).

روانشناسان بر این باورند که بخش عظیمی از یادگیری انسان محصول مشاهده است. رسانه های دیداری به دلیل کاربرد توأم دو حس بینایی و شنوایی بیشترین تأثیر در یادگیری را دارا هستند و یادگیری از طریق این رسانه ها بیشتر امکان پذیر است. ارزش تصویر در ایجاد ارتباط از آن روست که بیشترین بار معنایی پیام مخابره شده را در کوتاه‌ترین زمان ممکن منتقل می‌کند. در میان حواس پنجگانه آنچه از طریق حس بینایی تجربه می‌شود، ماندنی تر و در نتیجه تأثیرگذارتر است (سلطانی شیرازی، ۱۳۷۹).

به اعتقاد ساترلند، جوانان در فرایند یادگیری اجتماعی از طریق رسانه های جمعی (به ویژه رسانه های تصویری نظیر تلویزیون و سینما) برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر پرخاشگری و خشونت را می‌آموزند. باندورا نظریه پرداز یادگیری روان-شناختی بر یادگیری اجتماعی و نقش رسانه های گروهی، به ویژه تلویزیون، در شکل دادن به رفتارهای پرخاشگرانه و بزهکارانه تأکید کرده است. وی در پژوهش های خود نشان داد که تلویزیون پرنفوذترین رسانه برای جوانان است و می‌تواند در آموزش شیوه های رفتار پرخاشگرانه، کاستن ممانعتها از پرخاشگری و حساسیت‌زدایی و عادت به خشونت موثر باشد (احمدی، ۱۳۸۴).

نظریه تقلید تارد در ارتباط با نفوذ رسانه های تصویری و نقش های جنایی قهرمانان فیلم ها و سریال ها بر رفتار جوانان و همچنین تاکیدش بر مبادی اجتماعی بزهکاری و جرم، بیشترین تأثیر را در تفکر روان شناسی اجتماعی و جرم شناسی در اروپا و آمریکا

بر جا گذاشت. تارد بر آن است که فرایند کسب رفتار انحرافی از طریق تقلید - که مبتنی بر تجربه های یادگیری مشاهده ای است انجام می شود .

بعدها مطالعات گلاک مورد ۵۰۰ نفر که بزهکاری آن ها ثابت شده است در مقابل ۵۰۰ نفر غیر بزهکار، تیپ شخصیت مزومورف را خشمگین تر و مساعدتر برای رفتار بزهکارانه تعریف کرده است. اگر چه در مطالعه او چهل و دو عامل فرهنگی اجتماعی نیز با بزهکاری همبستگی داشته اند. در ارزیابی این رویکرد دی موی می نویسد، آنچه در باور این اندیشه امروزه باقیمانده است در نقش های شخصیتی هنرپیشگانی است که در فیلم های سینمایی و یا تلویزیون مشاهده می کنیم. معمولاً نقش های خشن و بزهکارانه را افراد زشت صورت ایفا می کنند و نقش های مثبت توسط افراد جذاب ایفا می شود. بعضی از مطالعات نیز در تأیید موضوع به نتیجه قضاوت های قضات پرداخته اند. یافته های برخی از آنها نشان می دهند تمایل قاضی در تأیید بیگناهی افرادی است که از جذابیت ظاهری بیشتری برخوردارند.

با توجه به مطالب فوق الذکر، چگونگی استفاده از رسانه های دیداری به وسیله پسران جوان مناطق حاشیه نشین شهر یاسوج، در قالب سه متغیر ذیل مطرح شده و رابطه آن با گرایش به رفتار انحرافی، در چارچوب فرضیه های پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است:

میزان استفاده از رسانه ها(میزان ساعات استفاده فرد، از کلیه رسانه های جمعی طی شبانه روز).

میزان استفاده از تولیدات فرهنگی داخلی(میزان ساعات استفاده فرد از محصولاتی که در داخل کشور تولید می شود، اعم از؛ سی دی های مذهبی و علمی، شبکه های تلویزیونی و رادیویی داخلی).

میزان استفاده از تولیدات فرهنگی خارجی(میزان ساعات استفاده فرد از محصولاتی که خارج از مرزهای کشور تولید می -شود، اعم از؛ سی دی های مبتذل، شو، برنامه های ماهواره ای و شبکه های تلویزیونی خارجی).

راهکارها و پیشنهادها:

با توجه به اینکه نزاعهای دسته جمعی معمولاً باعث سلب آسایش و امنیت مردم گردیده و مشکلات فراوانی را برای مسئولین، مردم و ... را بوجود آوردند حال از این سؤال مطرح می گردد پس چه باید کرد تا در آینده شاهد کاهش اینگونه منازعات باشیم و با توجه به اینکه شیوع منازعات باعث گردیده که چهره استان غبار آلود گردد چه

تمهیداتی می بایست اندیشیده شود تا این غبار تاریخی از چهره استان برداشته شود بی شک اولین پاسخی که به ذهن بر می گردد این است که همچنانکه ریشه های این ناهنجاریها به مقوله فرهنگ بر می گردد پس باید به سراغ مسایل فرهنگی رفت و راهکارهای فرهنگی اتخاذ کرد، ریشه تعصبات خشک قومی و قبیله ای را خشکاند، به نقش آموزش و پرورش و مدارس و کلاسهای درس توجه بیشتری نمود به نحوی که از همان بدو آموزش و حتی قبل از آن در مراکز پیش دبستانی معایب اینگونه ناهنجاریهای اجتماعی آموزش داده شود، روحانیت و قشر فرهنگی و تحصیل کرده دانشگاهی احساس مسئولیت بیشتری نموده و در محافل عمومی، سخنرانیها و ... مردم را نسبت به عواقب و اثرات سوء و مخرب منازعات در زندگی روز مره شهروندان آگاه نمایند، بنابراین با توجه به اینکه گستردگی حوزه اجتماعی در جامعه برخورد با عوامل نا امنی و تامین امنیت فقط با حضور فیزیکی پلیس میسر نمی شود بنابراین اولین قدم برای مبارزه با معضل نزاعهای دسته جمعی فعالیت های فرهنگی است، که در این راه استفاده از نظر کارشناسان و صاحب نظران برای حل درگیریهای دسته جمعی است. قطعاً اگر دستگاههای فرهنگی و مسئول وظایف خود را به نحو احسن انجام دهند از میزان نزاعهای دسته جمعی کاسته خواهد شد. برای کاهش نزاع ها و درگیری های محلی، اقدامات پیش گیرانه بیشتری صورت گرفته و با توجه به این که بسیاری از افرادی که در روستاها در نزاع های دسته جمعی شرکت می کنند تحت پوشش نهادهای حمایتی هستند، در صورت اعلام مراجع قضایی نسبت به برخورد و قطع مستمری این گونه افراد اقدام شود و در صورتی که افراد از کارمندان دولت باشند به تخلفات اداری معرفی شوند.

شناسایی و دستگیری منازعین، عوامل و محرکین و برخورد با آنها در دستور کار بوده و استفاده از مجازاتهای ترمیمی مثل اقامت اجباری و تبعید تأثیر گذاری خاص خود را داشته است.

در برخورد با نزاع های دسته جمعی، پیشگیری های کیفی و غیر کیفی صورت می گیرد، که نهادهای فرهنگی، شورای تأمین استان ها، شهرستان ها و نیروی انتظامی و همچنین دهیاری ها در این امر دخیل اند.

بسترسازی فرهنگی، راه حل بسیاری از آسیب ها و معضلات اجتماعی است که در این میان، رسانه ها با توجه به نفوذی که در لایه های مختلف اجتماع دارند به خوبی می توانند به ایجاد و گسترش این بسترها کمک کنند.

همچنین توسعه رفاه نسبی و گسترش فرهنگ اسلامی، دو وظیفه غیر قابل انکار یک دولت اسلامی به شمار می آیند. این دو مهمترین عامل برای پیشگیری، مقابله و درمان بسیاری از مشکلات و معضلات در آشکار و پنهان در لایه های مختلف جامعه می باشند.

نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی تشکیل شده از چهار محور:

۱- سرمایه فرهنگی

۲- سرمایه اجتماعی

۳- سرمایه سیاسی

۴- سرمایه اقتصادی

پایه این چهار محور اعتماد می باشد که وجود و تداوم نزاع های جمعی در تقابل با آن بوده و به عنوان آفت جدی آن را در معرض خطر قرار می دهد و درست به همین دلیل است که ما برنامه ریزی صحیح و اقدامات کارشناسانه را در جهت شناسایی عوامل شکل گیری مناقشات و تلاش برای بهبود بخشی آن پیشنهاد می نماییم.

به عبارت دیگر می توان اذعان داشت در جوامعی که مفهوم سرمایه اجتماعی به طور اخص مورد توجه قرار گرفته است به طور هم زمان شاهد دو نتیجه مثبت هستیم از یک سو با افزایش معیارها و شاخص های سرمایه اجتماعی، من جمله اعتماد، از شکل گیری نزاع های جمعی جلوگیری نموده ایم و از سوی دیگر، با کاهش نزاع های جمعی و کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از آن بر سرمایه اجتماعی افزوده ایم. چون نزاع های دسته جمعی از بین برنده آسایش عموم است و جرم محسوب می شود باید تلاش کنیم که زمینه تنفر و قبح این معضل در بین مردم استان و به خصوص نسل جوان به کمک نهادهای فرهنگی مطبوعات و رسانه ها به وجود آید. توجه بیشتر به آموزه های اخلاقی دین مبین اسلام که در برگیرنده نفی تعصبات خشک و بی پایه و اساس قومی و ملیت گرایی است. آشنا نمودن مردم شهرو روستا با قوانین و مقررات مربوطه و تعیین مجازات های متناسب و محسوس برای افرادی که در شروع و ادامه منازعات نقش اصلی را دارند همه و همه می توانند به کاهش منازعات در استان کمک شایان توجهی نمایند. ادارات و نهادهای فرهنگی در این راستا رسالت بزرگی برعهده دارند و می توانند از طریق برپایی همایشها و سمینارهای کم هزینه در مساجد و حسینیه های موجود در شهرها و روستاهای استان معایب مضرات و عواقب ناگوار منازعات را برای مردم استان تبیین و یادآوری نمایند و بدیهی است که مقامات ارشد استان که خود واقف بر تاثیر سوء این

منازعات بر موقعیت سیاسی اجتماعی فرهنگی اقتصادی و... استان می باشند میتوانند نقش عمده ای در کاهش این ناهنجاری اجتماعی از طرق مختلف خصوصاً تامین هزینه های مالی لازم ایفا نمایند از مسایل فرهنگی که بگذریم و در کنار آنها توجه به زیر ساختهای اقتصادی از جمله ایجاد بنگاههای اقتصادی و مولد، جذب سرمایه گذاران بومی و غیر بومی جهت تولید شغل برای جوانان و سایر افراد بیکار که درصد زیادی از نزاعهای دسته جمعی را بوجود می آورد قطعاً می تواند در زمینه کاهش منازعات مؤثر واقع گردند

منابع:

- ۱- احمدی، حبیب (۱۳۸۴) "جامعه‌شناسی انحرافات"، تهران، سمت.
- ۲- احمدی، حبیب و محمدتقی ایمان (۱۳۸۳). "بررسی عوامل مؤثر بر تمایل حاشیه‌نشینان بر رفتار بزهکارانه (نمونه مورد مطالعه حاشیه‌نشینان شیراز)". دفتر امور اجتماعی استانداری فارس.
- ۳- احمدی، حبیب و محمدتقی ایمان (۱۳۸۴). "فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده-پایله شیراز". مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان. سال نوزدهم. شماره ۲. ص ۹۹.
- ۴- اسپنسر، راتوس (۱۳۸۱). روانشناسی عمومی. جلد اول، ترجمه حمزه گنجی، تهران: مؤسسه نشر، چاپ پنجم.
- ۵- سلطانی شیرازی، علیرضا (۱۳۸۳). تولید و کاربرد مواد آموزشی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی.
- ۶- طبیبی، حشمت ا... (۱۳۷۹). "آسیبهای اجتماعی روانی ناشی از تقابل فرهنگ عشایر مهاجر با فرهنگ شهری". فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ ایلام، شماره سوم و چهارم.
- ۷- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). وندالیسم. چاپ اول. تهران: نشر آن.
- ۸) Cushman, J. W. (۱۹۹۲-). "The Organizational Dynamics of Teacher Workplace Commitment: A study of Urban Elementary and Middle Schools". Educational Administration Quarterly, Vol. ۲۸, No ۱, pp. ۴۲-۵.
- ۹) Doosje, B. E. & Spears, R. (۱۹۹۹-). Commitment and Intergroup Behavior & Social Identity: Context, Commitment, Content. Oxford: Blackwell.
- ۱۰) Stones, C. H. & Joseph. L. P. (۱۹۸۹-). "Attitudes Toward Love Among Xhosa University Students in South Africa". Journal of Society Psychology